

او بگیرد، چنین کاری تنها از ولی فقیه بر می آید. رفسنجانی بالقوه امکان فشار بر خامنه ای را از طرف مجلس خبرگان دارد، ولی کاربرد این حربه کار پرمخاطره ای است، و می تواند به جنگ قدرت این دو یار قدیمی در رأس هرم جمهوری اسلامی منجر شود. این که در چنین مبارزه ای کدام طرف پیروز درآید قابل پیش بینی نیست. آن چه که تقریباً مسلم است، جلوگیری از حمله آمریکا به ایران به یک تغییر قاطع اقدام کودتایی اگر به نفع رفسنجانی تمام شود ممکن است در پیش گیری از جنگ مؤثر باشد، ولی تضمینی هم برای این کار وجود ندارد.

در چندین ماه آینده، به احتمال زیاد کشور ما آبدی حیات سنگین و سرنوشت سازی خواهد بود. خطر حمله نظامی آمریکا شدیدتر خواهد شد. از سوی دیگر، احتمال یک کودتای داخلی حاکمیت را نباید از نظر دور داشت. انباشت سرکوب ها و ناراضی های داخلی نیز ممکن است به حوادث پیش بینی نشده ای منجر شود. و هر یک از این پدیده ها می توانند، بسته به ترتیب تحقق آنها، از یکدیگر تأثیر بپذیرند، و در تحولات آینده ایران نقشی تعیین کننده ایفا کنند، روزه های پر مخاطره ای در راه است...

جنگ - و مرز شکنی برای صلح

دکتر حسین باقرزاده

سه شنبه ۲۷ شهریور ۱۳۸۶ - ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۷

و حمله خارجی، به هر شکل که انجام شود جز خرابی و مرگ و نابودی برای ایران و ایرانیان ارمنی به همراه نخواهد داشت. ولی آیا این حمله قابل پیشگیری است؟ و چگونه؟ بدون شک، اصلی ترین نیرویی که می تواند در این مورد نقش اساسی و تعیین کننده ایفا کند رژیم جمهوری اسلامی است. سرمداران رژیم اگر برای جان و مال مردم و کین و استقلال و تمامیت ارضی ایران کسرتین بهایی قائل باشند، و اگر بخواهند، می توانند با تغییر رفتار خود خطر حمله نظامی را رفع کنند. برای این کار هم دو راه وجود دارد. یکی این که به خواست های مشخص جامعه بین الملل در قامت شورای امنیت سازمان ملل تن دهند و با تعلق غنی سازی اورانیوم بهانه اصلی حمله نظامی به ایران را از دست غرب و به خصوص آمریکا و اسرائیل بگیرند. این کار را حتی اگر بخواهند می توانند (به گفته دکتر دوشوکی) به صورت تاکتیکی و برای مدت مثلاً ۱۵ ماه بپذیرند تا حکومت آقای بوش به انجام برسد- با این فرض و امید که در انتخابات بعدی کسی از دموکرات ها بر سر کار

بیاید که سودای جنگ و حمله به ایران مظنون به اتمی شدن را نداشته باشد (که البته فرض مطمئنی نیست). دوم این که فضای سیاسی ایران را باز کنند (پیشنهاد فرهاد جعفری ۱) تا ساختار سیاسی کشور با شرکت اپوزیسیون متحول و دموکراتیک شود، سیاست خارجی ایران تغییر یابد، ایران بتواند اعتماد جامعه جهانی را جلب کند و خود را از ظن فعالیت مخفی اتمی برهاند، و یا نگرانی غرب و اسرائیل از یک ایران اتمی برطرف شود.

این انتظارات البته وقتی از جمهوری اسلامی معقولانه است که رهبران آن خطر جنگ و عواقب شوم آن را جدی بگیرند. ولی سکان حکومت اکنون به دست کسانی افتاده است که هیچ نگرانی از این بابت ندارند. آقای خامنه ای و رئیس جمهور امام زمانی اش ظاهراً معتقدند که آمریکا یا هیچ نیروی دیگری جرأت حمله به ایران را ندارند و اگر چنین حمله ای صورت گیرد، مهاجمان چنان ضربه ای از نیروهای منظم و نامنظم جمهوری اسلامی در ایران و سایر کشورها خواهند خورد که از کرده خود پشیمان شوند. در هر صورت، به نظر می رسد

دنباله مطلب در صفحه ۳۷

در مقالات پیشین گفته شد، دلایل دیگری نیز در دست است که نشان می دهد رژیم جمهوری اسلامی این خطر را جدی تلقی می کند، منتها به جای اتخاذ تدبیرهایی برای جلوگیری از آن به تقویت ساز و برگ و آرایش نیروهای نظامی خود پرداخته است. به عبارت دیگر، رژیم جمهوری اسلامی به جنگ می اندیشد، جنگی که خود را در نهایت در آن پیروز می بیند، و از این رو از صدمات و ضربات مرگبار و خانمانسوز جنگ که جان و مال میلیون ها انسان و استقلال و یک پارچگی ایران را به خطر می اندازد باکی ندارد. اگر کسانی در درون رژیم هستند که چنین نمی اندیشند اینان در اقلیت اند و مهمتر این که در ساختار قدرت و تعیین سیاست های آن نقش تعیین کننده ای ندارند. این جا است که نقش هاشمی رفسنجانی و قدرت تازه یافته اش از دید اصلاح طلبان و هواداران او اهمیت پیدا می کند. این گروه ها که امید خود به خوردوری در درون حاکمیت را از دست داده بودند اکنون امیدوارند رفسنجانی بتواند به صورت ترمزی در قطار رها شده حاکمیت عمل کند. ولی اعمال این ترمز، با فرض این که رفسنجانی بخواهد و بتواند چنین نقشی را ایفا کند، از راههای متعارف عملی نیست. او باید بتواند قدرت بالفعل احمدی نژاد را از

شرح جنگ و حمله نظامی به ایران هفته به هفته و روز به روز مخوف تری در خبرها و گفته ها جلوه می کند و آینده خطرناکی را برای ایران و ایرانیان بیم می دهد. در برابر این خطر، گروهی (به شمول بخشی از حاکمیت) همچنان با دلخوشی به این که آمریکا/ غرب یا اسرائیل به چنین کار پرمخاطره ای دست نخواهند زد، این شواهد و زنگ خطرها را نادیده می گیرند. بخشی در انتهای دیگر طیف سیاسی جامعه ما، چشم به راه این حمله نشسته اند و با دلخوشی به این که (به شیوه افغانستان و عراق) از این طریق تومار حیات رژیم جمهوری اسلامی در هم پیچیده خواهد شد، از آن استقبال می کنند. این دو گروه به هر حال اقلیت های کوچکی بیش نیستند. اکثریت مردم، اما، (به شمول نیروهای سیاسی دموکرات) اولاً خطر جنگ را جدی می دانند و ثانياً نگران عواقب شوم، مرگبار و خانمان برانداز آن هستند. اینان همچنین در برابر این سؤال قرار گرفته اند که آیا می توان برای رفع و دفع این خطر کاری کرد، و اگر آری، آن کار چیست؟

عواقب مرگبار حمله نظامی به ایران، چه به صورت فقط بمباران هوایی، یا ادامه آن با اشغال نظامی بخشی از ایران (خوزستان) صورت بگیرد، باید روشن تر از این باشد که نیاز به توضیح پیدا کند. این حمله البته ممکن است فقط انهدام تأسیسات اتمی ایران و تضعیف قدرت نظامی کشور را هدف قرار دهد و در جریان آن ضربات سنگین مالی و جانی به مردم و زیرساخت های اقتصادی کشور وارد کند و به قدرت سیاسی کشور کاری نداشته باشد. در این صورت، نه فقط رژیم جمهوری اسلامی می تواند از این حمله جان سالم به در برد و بلکه به احتمال زیاد بر قدرت سرکوب آن نیز اضافه خواهد شد. از سوی دیگر، اگر مهاجمان، تغییر رژیم را هدف قرار دهند و به انجام آن موفق شوند، با توجه به تجربه های عراق و افغانستان و قدرت نیروهای مخربی که در ایران سازمان یافته اند و می توانند وارد فعالیت شوند (از گردان های عملیات انتحاری گرفته تا نیروهایی که خواب تجزیه ایران را در سر می پروراندند)، بدون شک ایران صحنه کشمکش های قومی، مذهبی و سیاسی گسترده ای خواهد شد که نه فقط استقلال و دموکراسی و بلکه موجودیت و تمامیت ایران را نیز به خطر خواهد انداخت. جنگ

ادامه مطلب جنگ، کودتای داخلی و... از صفحه ۲۶

شکست خورده رفسنجانی برای ریاست مجلس خبرگان) رأی اکثریت را به استاد «و اکثرهم لایقون» قرآن مرود دانست، و هواداران دو جناح در فضای مطبوعاتی و اینترنتی به جان هم افتادند. موقعیت و موضع گیری رفسنجانی ظاهراً به تقویت قلب سایر رهبران جناح اصلاح طلب در برابر جناح احمدی نژاد کمک کرده است و درگیری های لفظی کروی و احمدی نژاد در روزهای اخیر که از هنگام رقابت آنان در انتخابات ریاست جمهوری سابقه نداشته است نمونه ای از این امر بشمار می رود. این تحولات در ساخت قدرت در ایران با تشدید بحران ایران و آمریکا همراه بوده است. گزارش ژنرال پترسوس، فرمانده نظامی آمریکا، و آقای کراکر سفیر آن کشور در عراق از «موفقیت های نسبی» عملیات گسترده آمریکا و «کاهش خشونت» در آن کشور، و وعده آقای بوش در مورد کاهش سربازان آمریکایی در عراق در یک ساله آینده، با تاکید آمریکا بر نقش رژیم ایران در خشونت های عراق و تشدید تبلیغات علیه ایران تلفیق شده است. مقامات آمریکایی ظاهراً امیدوارند کاهش عملیات نظامی در عراق به آنان اجازه دهد که بیشتر بر روی مسئله ایران تکیه کنند و به تبلیغات خود برای برجسته کردن نقش رژیم ایران در عملیات نظامی علیه آمریکا و متحدان آن در عراق دامن بزنند. رژیم ایران به اندازه کافی مواد تبلیغاتی در اختیار آمریکائیان گذاشته است (از بلب ها و سلاح های به کار رفته در عراق که رد آنها به جمهوری اسلامی می رسد تا حملات و تهدیدهای مقامات جمهوری اسلامی علیه آمریکا و اسرائیل) تا آنان بتوانند حمله خود به ایران را توجیه کنند. سیاست های داخلی جمهوری اسلامی، و به خصوص خشونت ها و اعدام های دسته جمعی آن هم به صورت علنی، نیز چنان تصویر کژیی از جمهوری اسلامی ایران در جهان ایجاد کرده است که کمتر کسی در جوامع متمدن در برابر فشار یا حمله آمریکا به ایران میتواند به دفاع از آن برخیزد. جنگ ایران و آمریکا در واقع مدتی است که شروع شده و این چیزی نیست که فقط آمریکائیان بر اساس تکه پاره های بسبب های منجر شده کنار جاده ها یا سلاح های کشف شده از سبزه گران یا اعترافات برخی از دستگیرشدگان ادعا کرده باشند. مقامات عراقی نیز این ادعاها را کم و بیش تأیید کرده اند. در واقع، بهترین سندهای دخالت نظامی رژیم جمهوری اسلامی در عراق و شرکت فعال آن در جنگ با آمریکا اینان را خود مقامات ایران مستقیم و نامستقیم عرضه کرده اند. یکی از آخرین سندها در این مورد، اظهارات سرلشگر پاسدار جعفری فرمانده جدید سپاه پاسداران است که هنوز یک هفته از تصدی مقام جدیدش نگذشته در هیجدهمین همایش فرماندهان و مسئولان سپاه با افتخار اعلام کرده است که «دشمن اگر امنیت منطقه بخصوص عراق را در اختیار می گرفت، بی تردید به ایران حمله نظامی می کرد ولی خوشبختانه با هوشیاری مسلمانان منطقه دشمن استکباری در این توطئه نیز ناکام ماند». این «مسلمانان منطقه» که «با هوشیاری» امنیت عراق را به هم زده اند مسلماً از دید آقای جعفری القاعده نیست. در واقع، آقای جعفری و هم فکران او در جمهوری اسلامی ایران به سختی می توانند کس دیگری جز خود را به صف «مسلمانان هوشیار منطقه» مفتخر کنند که حاضر باشند برای جلوگیری از حمله نظامی آمریکا به ایران، عراق را به خاک و خون بکشند. در هر صورت، خطر حمله نظامی آمریکا به ایران روز به روز شدیدتر می شود و با اظهارات خصمانه مقامات جمهوری اسلامی علیه غرب و آمریکا و اسرائیل، و سرپیچی از اجرای خواست های شورای امنیت، این خطر به واقعیت نزدیک تر شده است. آمریکا علاوه بر آرایش نظامی خود در خلیج فارس و کشورهای همسایه ایران، ایجاد یک پایگاه نظامی نزدیک مرز ایران در عراق را در برنامه خود دارد. کاهش درگیری های آمریکا در عراق میدان عمل آمریکا را برای حمله به ایران بازتر می کند. حتی ظاهراً سرلشگر جعفری معتقد است که برقراری امنیت در عراق حمله نظامی آمریکا به ایران را حتمی خواهد کرد. همان طور که

سیاسی پایدار، سیاست ها و عملکردها برآیند تلاش نیروهای فعال و سهم در آن است و حضور و غیاب یک فرد نمی تواند تأثیر تعیین کننده و قاطعی داشته باشد. در چنین نظامی، سیاست ها پیوسته اند و تغییرات در آنها به صورت تدریجی و با روایی منطقی صورت می گیرد. ولی در نظام های ناپایدار، و از جمله نظام های متکی به فرد (دیکتاتور، ولی فقیه، شاه حاکم)، فرد یا افراد خاصی می توانند با قرار گرفتن در یک موقعیت خاص، و با اعمال قدرتی خارج از سازو کارهای معمولی سیاست را تغییر دهند و به یکباره جهتی مخالف به آن بدهند. این به روشی، یک عمل کودتایی است، و احتمال بروز چنین واقعه ای به خوبی از شکنندگی نظام حکایت می کند. اگر سیاست در جمهوری اسلامی به روال منطقی خود پیش رود، با توجه سلطه «اصولگرایان» بر دو قوه مقننه و مجریه، باید انتظار همان چیزی را داشت که دولت احمدی نژاد تعقیب می کند. در این صورت، کوتاه آمدن در برابر خواست های غرب و مشخصاً ژانسون بین المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل معنا ندارد و قطع حمایت های فعال رژیم ایران از سبزه گران عراقی و لبنانی و فلسطینی خیانت به آرمان های انقلاب خواهد بود. نمی توان با توجه به سیاست «اصولگرایان» حاکم بر دولت و مجلس شورای اسلامی تصور کرد که یکمرتبه آقای احمدی نژاد با ولینعمت و ولی فقیه او تغییر جهت دهند و با نفی همه مواضع سیاسی خود در دو سه سال گذشته سیاست های فعلی خود را به کناری بگذارند و راه دیگری در پیش گیرند. دولت امام زمانی حاکم اعلام ظهور را دیده است و نیازی به گوش کردن به این و آن ندارد. آقای احمدی نژاد معتقد است که جمهوری اسلامی در راه خدا گام بر می دارد و خدا وعده پیروزی به آن داده است و به این دلیل هیچکس جرأت نخواهد کرد که به ایران حمله کند. چنین حکومتی البته نباید در برابر تهدیدهای خارجی و فشارهای بین المللی کوتاه بیاید و راه خوردوری را در پیش بگیرد. ولینعمت او آقای خامنه ای را براه دیگران را از کوتاه آمدن و «مروعب» شدن در برابر آمریکا برحذر داشته و کسانی را که خواهان گفتگو و سازش با آمریکا هستند به القابی از قبیل بی غیرت ملقب ساخته است.

آقای رفسنجانی، اما، ظاهراً نظر دیگری دارد. او بارها سعی کرده که راه گفتگو و کنار آمدن با غرب را باز کند و ضرورت آن را پیش بکشد. ولی آقای رفسنجانی در ساختار قدرت یک نقش مشورتی و حکمیت، آن هم به صورت انتصابی (در مجمع تشخیص مصلحت) داشته است و نمی توانسته در تعیین سیاست روزمره جمهوری اسلامی نقش تعیین کننده ای ایفا کند. اکنون که او از طریق انتخاب به ریاست یک نهاد «انتخابی» با قدرت نظارت بر رهبری رسیده است از اهرم خاصی برخوردار شده که قدرت نفوذ او را به مراتب بالا می برد. البته مجلس خبرگان نیز در تعیین سیاست روزمره جمهوری اسلامی نقش تعیین کننده ای ندارد و نمی تواند دولت یا مجلس را به عملی وادار یا آنها را از سیاستی منحرف کند. ولی او از طریق مجلس خبرگان اکنون مشیر دامو کلسی را بالقوه در دست دارد که می تواند با نگاه داشتن آن بر سر ولی فقیه، او را به پذیرش نظرات و خواست های خود وادارد. و این نقطه امید اصلاح طلبان برای اجازه ورود به انتخابات آینده مجلس بشمار می رود، و قدرت های خارجی آرزومند حل مسأله آمیز بحران اتمی ایران نیز با همین امید به نظاره بر تحولات ایران نشسته اند. آقای رفسنجانی ظاهراً به استظهار همین قدرت جدید خود بر جولان سیاسی خویش افزوده، و این امر به نوبه خود تضادهای درونی حاکمیت را تشدید کرده است. در نماز جمعه این هفته، آقای رفسنجانی از یک سو قدرت مجلس خبرگان بر نصب و عزل و نظارت بر ولی فقیه را به رخ خامنه ای کشید، و از سوی دیگر در نقض گفته های احمدی نژاد که پرونده اتمی ایران را مخومه اعلام کرده بود، آن را باز دانست و آمریکا و جهان غرب را به گفتگو و حل مشکل از طریق مذاکره فراخواند. طولی نکشید که احمدی نژاد بدون نام بردن از رفسنجانی گفته های او را تخطئه کرد، جنتی (رقیب

California Homes & Kitchen Design Center

کلیه نیازهای ساختمانی شما زیر یک سقف با استفاده از بهترین و مرغوب ترین کالا و سرویس منحصر به فرد از نمایشگاه مجهز و کامل ♦ ♦ ♦ ۱۲۰۰ فوت ما دیدن کنید!



All your needs under one roof. Whether remodeling or building a new home, California Homes & Kitchen Design is the solution for every unique situation.

We design & manufacture. Everything is built onsite. From cabinets to countertops, turnaround is fast & delightful.

We use the highest quality materials. From elegant woods in our cabinets to granites, marbles and any exotic stones from our full-service fabricator shop. We will exceed your expectations.

- ❖ Granite & Marble
- ❖ Vanities
- ❖ Closet Organizers
- ❖ Windows & Doors
- ❖ Brand name Bathroom Fixture
- ❖ Hardwood Flooring
- ❖ Decorative Mouldings

- ❖ Fireplaces
- ❖ Fireplace Mantels
- ❖ Paving Stones
- ❖ Staircases & Railing
- ❖ Mail Boxes
- ❖ Floor Inserts
- ❖ Decorative Columns

- ❖ شومینه
- ❖ سنگ فرش زمین
- ❖ نقش های سنگی، مدالین
- ❖ ستون های تزئینی
- ❖ صندوق های پست

- ❖ گرانیات و سنگ مرمر
- ❖ کمد های توالت
- ❖ قفسه بندی کمد
- ❖ درب و پنجره
- ❖ کفپوش چوبی

Unlike Others, we design and manufacture every cabinet in our shop using the finest quality wood products to ensure your cabinet are elegant and unique.

❖ Innovative Designs with Computer Rendition ❖ Professional Installation

VISIT OUR SHOWROOM TODAY
(408)392-8200
1775 Junction Avenue, San Jose, CA 95112
www.calhomesandkitchen.com * Lic.#886231

